

### مقدمه

به منظور شناخت و درک بیشتر مسایل سیاست خارجی ایران از سوی محققان، کارشناسان و دست اندرکاران اجرایی این حوزه و تطبیق آن با شرایط جدید بین‌المللی، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مصاحبه‌ای را با جناب آقای دکتر کمال خرازی، وزیر محترم امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، انجام داده است. در این مصاحبه به موارد مهمی همچون: اولویت بندی سیاست خارجی ایران در ارتباط با حوزه‌های مختلف، بحران‌های مختلف منطقه‌ای همچون مسئله فلسطین، مسایل حوزه خلیج فارس، بحران افغانستان، برخورد ایالات متحده با جمهوری اسلامی و چشم‌انداز آینده و به طور کلی مسایل مربوط به ویژگی‌های حوزه تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران، ساختار اجرایی دستگاه سیاست خارجی، ضعفها، ویژگیها و ضرورت انجام اصلاحات و در نهایت چگونگی برقراری ارتباط میان حوزه اجرایی و فکری، پرداخته شده است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** به عنوان اولین سؤال اگر بخواهیم جهان را از لحاظ جغرافیایی تقسیم بندی نماییم، به نظر حضرتعالی اولویتهای جغرافیایی این تقسیم بندی برای سیاست خارجی ایران کدامند؟ به عبارت دیگر با توجه به اینکه ایران یک کشور بین‌المللی است که جغرافیا، منابع انرژی، تاریخ و فرهنگ آن اهمیت جهانی دارد، اولویتهای سیاست خارجی ایران برای تأمین منافع ملی کشور در کدام مناطق باید متمرکز شود؟ اگر

حضرتعالی بر این اساس مناطق را به صورت ۱، ۲، ۳ و ۴ دسته بندی کنید، تلقی شما از اینکه تمرکز و انرژی سیاست خارجی به کدام سمت باید باشد، چیست؟

**دکتر خرازی:** از لحاظ اولویت بندی، همسایگان ما در درجه اول اهمیت قرار دارند. البته بخشی از این همسایگان کشورهای عربی هستند که شامل کشورهای حوزه خلیج فارس می شوند؛ بخشی نیز همسایگان غیر عربی می باشند. به طور کلی همه همسایگان ما در سیاست خارجی کشور دارای اولویت توجه می باشند، چرا که در حوزه امنیتی بلافصل ما قرار گرفته اند. اگر ما تلاش کنیم - همچنان که تاکنون می کردیم - روابطمان را با این کشورها توسعه داده و بر اساس سیاست تنش زدایی به نوعی اعتماد سازی برسیم و وارد مرحله مشارکت با این کشورها بشویم، طبعاً هزینه های تأمین امنیت ملی کشور را خیلی کاهش داده ایم. بنابراین همسایگان ما در درجه اول اهمیت قرار دارند. هم اکنون نیز در حوزه سیاست خارجی دارای اولویت هستند. در مرحله بعدی کشورهای حوزه خاورمیانه حایز اهمیت می باشند. منطقه اروپا نیز اهمیت فراوانی دارد. در نهایت، کشور آمریکا با توجه به تأثیر گذاری زیاد بر سیاستهای منطقه و با توجه به واقعیت حضور این کشور در منطقه خاورمیانه، از اهمیت خاصی در سیاست خارجی کشور برخوردار می باشد. به هر حال چه روابط خوبی با آمریکا داشته باشیم یا نداشته باشیم، این کشور در سیاست خارجی ایران از اهمیت بالایی برخوردار است.

### **فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** با توجه به ویژگیهای خاص نظام جمهوری اسلامی

ایران، به نظر حضرتعالی برای تأمین امنیت ملی، توسعه اقتصادی و حفظ تمامیت ارضی، ما با چه کشورهایی می توانیم ائتلاف کنیم تا برای تأمین منافع ملی خود به تنهایی عمل نکنیم؟ به عبارت دیگر، حتی کشورهای بزرگ دنیا نیز برای تأمین منافع خود در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی فرهنگی با سایر کشورها می کنند ائتلاف و بلوکهایی را به وجود می آورند. ما به عنوان کشوری که در منطقه دارای ویژگیهای خاص خود از لحاظ زبان، مذهب و تاریخ هستیم، طبعاً باید یک نوع اتصالات بین المللی داشته باشیم که ما را به

یک سری از کشورها متصل کند که برای مصالح ملی ما نفع داشته باشد. به عنوان مثال، اگر ما در شرایط کنونی به گونه ای عمل کنیم که در لابه لای اتحادیه های جهانی قرار بگیریم، شاید آمریکا به راحتی قادر به طرح تهدیداتی نباشد که اخیراً علیه ایران مطرح می کند. یعنی به آسانی نتواند دیدگاه جامعه جهانی را علیه ایران تغییر دهد و از این طریق هزینه هایی را به کشور ما تحمیل نماید. به نظر حضرت تعالی از دیدگاه استراتژیک چه امکاناتی در دسترس ما می باشد تا چنین ائتلافی را عملی سازیم؟

**دکتر خرازی:** احتمال قرار گرفتن در چنین ائتلافی اندک است. چرا که طبیعت نظام ما - همان گونه که شما فرمودید - خاص و منحصر به فرد است. در واقع نظام ما نوعی دموکراسی اسلامی است که مشابهی ندارد. بنابراین، تصور ائتلاف بین ایران و سایر کشورها تا حدودی دشوار است. البته همکاریهای منطقه ای امکان پذیر است، کما اینکه در حال حاضر نیز وجود دارد. اما مسئله ائتلافها متفاوت است. چرا که ائتلافها معمولاً در کشورهای همگون از لحاظ زبان، قوم، تاریخ و فرهنگ و یا کشورهایی که پیوستگی های قوی و مکمل اقتصادی و سیاسی دارند، به وجود می آیند. این مسئله در مورد کشور ما وجود ندارد. در واقع کشورهایی که می خواهند در یک ائتلاف شرکت کنند باید از لحاظ قدرت بالفعل در سطح متعادلی باشند تا بتوانند با تشکیل یک مجموعه بزرگتر با یکدیگر ائتلاف کنند. ما چنین کشورهایی که دارای ویژگی لازم برای ائتلاف با جمهوری اسلامی ایران باشند، نمی شناسیم. لذا برای اینجانب همواره تصور ائتلاف ایران با یک کشور دیگر تا حدودی دشوار است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** در رابطه با سیاست خارجی همواره موضوعاتی وجود دارد که انرژی قابل ملاحظه ای از دست اندرکاران سیاست خارجی را به خود اختصاص می دهد. در مورد حضرت تعالی، چه موضوعی از سیاست خارجی بیشتر وقت و انرژی شما را به خود اختصاص می دهد؟ به عبارت دیگر از لحاظ سازمان دهی، نظارت، اجرا و پیگیریهای مختلف، چه موضوعی بیشتر شما را نگران می کند؟

دکتر خرازی: مسایل مربوط به حوزه امنیت ملی ایران بیشتر از هر موضوع دیگری وقت من و وزارت امور خارجه را به خود اختصاص می دهد. ما در یک منطقه بحران زده زندگی می کنیم. اگر نگاهی به نقشه ایران ببینیم مشاهده می کنیم که کشور ما به وسیله کشورهای که هر کدام بحرانهای خاص خود را دارند، محاصره شده است. به طور طبیعی بحرانهای کشورهای همسایه بر امنیت ملی ما تأثیر می گذارند. به همین دلیل است که مسایل مربوط به همسایگان ما دارای بالاترین اولویت در سیاست خارجی کشور می باشند. به طبع دفع این بحرانها و دور کردن آنها از حوزه امنیت ملی، مهمترین موضوعی است که ما باید به آن بپردازیم. به عنوان مثال، بحرانهای افغانستان و عراق و یا امور دریای خزر که هر کدام ویژگی خود را دارند در صدر دستور کار سیاست خارجی ما قرار دارند و بیشترین وقت ما را در وزارت خارجه اشغال کرده اند. منتهی یک مسئله، در یک محدوده زمانی بیشتر اهمیت دارد و در یک محدوده دیگر کمتر. ولی قدر مسلم بیشترین انرژی وزارت خارجه را همین بحرانهای اطراف ما به خود اختصاص داده اند.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه: از حضورتان درخواست داریم تا در ارتباط با سه موضوع جزئیاتی را مطرح نمایید. موضوع اول مربوط به مسئله فلسطین و برخورد با اسرائیل است. به نظر می آید وقتی که به مسایل سیاست خارجی از لحاظ تئوریک و عملی نگاه می کنیم، مسئله فلسطین و اسرائیل از جایگاه مهمی در منافع ملی ما برخوردارند. از لحاظ منبع تهدید و مسایل مربوط به امنیت ملی نیز شاید بسیاری از هزینه هایی که کشور ما به لحاظ سیاسی و پرستیژی و حتی تا اندازه ای شاید مشکلات اقتصادی پرداخت می کند، به دلیل نوع برخورد و حمایتی است که از این موضوع داریم. به نظر حضرتعالی آیا می توانیم تعادلی در این زمینه به وجود آوریم؟ بدین معنی که هم از یک سو استقلال و هویت دینی نظام حفظ شود و هم از سوی دیگر، بتوانیم تا اندازه ای از هزینه ها بکاهیم؟ حضرتعالی تا چه اندازه ای با این نکته موافق هستید؟ به نظر شما آیا زمینه هایی وجود دارد تا قدرت مانور ما را در این حوزه افزایش دهد و با اتخاذ راهکارهای**

غیر نظامی، ترتیبی اتخاذ شود تا ضمن اینکه مصالح ملی خود را پیش می‌بریم، از حقوق ملت فلسطین نیز حمایت کنیم؟

**دکتر خرازی:** مسئلهٔ قدس و فلسطین یکی از مسایل آرمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. طبعاً خواست و آرزوی ما این است که حقوق غصب شدهٔ فلسطینی‌ها به آنها بازگردانده شود. صرف نظر از مسئلهٔ قدس، اسرائیل به نوعی عامل اصلی تهدید در این منطقه به حساب می‌آید. ما نیز به عنوان یک عضو از این منطقهٔ بزرگ همانند سایر کشورهای منطقه نگران این تهدید هستیم. جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم در مسایل جاری فلسطین درگیر نمی‌باشد. بنابراین، وضع ما با سایر ملتهای خاورمیانه همچون لبنان، مصر، سوریه و اردن که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل قرار دارند فرق می‌کند. اولیتهای امنیتی ما مربوط به مرزهای ما است. به طور کلی نگاه ما به مسئلهٔ قدس، نگاهی آرمانی است و وظیفهٔ خود می‌دانیم که از تلاشهای فلسطینی‌ها برای احقاق حقوق خود حمایت کنیم. این مسئله واقعیتی است که در صحنهٔ سیاست خارجی ما ملموس است.

**فصلنامهٔ مطالعات خاورمیانه:** موضوع دوم که در حوزهٔ امنیت ملی ما قرار دارد، مربوط به مسئلهٔ جزایر ایرانی خلیج فارس است. به نظر حضرتعالی در ارتباط با این موضوع چه زمینه‌هایی برای مانور وجود دارد تا از هزینه‌های امنیت ملی ما کاسته شود؟ به عنوان مثال، چگونه می‌توانیم جلوی «عربی شدن» این موضوع را بگیریم؟ جهان عرب بنا به دلایل مختلف داخلی خود سعی می‌کند این موضوع را به طور کلی در قالب روابط عربی-ایرانی در نظر بگیرد تا به عنوان یک سوء تفاهم حقوقی میان ایران و امارات متحدهٔ عربی. در واقع، این مسئله به صورت بهانه‌ای شده که بسیاری از کشورها در ارتباط با نیت، انگیزه‌ها و اهداف ما در سطح منطقه‌ای، از آن سوء استفاده می‌کنند. به نظر شما آیا زمینه‌هایی برای حل این مسئله در دوره‌ای که حضرتعالی در وزارت امور خارجه حضور دارید، وجود دارد تا یک بار و برای همیشه ما بتوانیم یک مانع روانی و حقوقی را از تقویت روابط ایران و عرب برداریم؟

**دکتر خرازی:** تصور نمی‌کنم که این مسئله به گونه‌ای باشد که به‌عنوان مانعی در روابط ایران و جهان عرب تلقی شود. این مسئله یک سوء تفاهم بین دو کشور است که تنها در سایه حسن تدبیر و گفتگو و نزدیکی طرفین قابل حل شدن می‌باشد. البته، در گذشته تلاشهایی صورت می‌گرفت تا این مسئله از حوزه روابط دو کشور خارج شود و به مجموعه منطقه و جهان عرب تسری یابد. اما در حال حاضر راه حل این مسئله تنها در چارچوب روابط دو جانبه امکان پذیر است. فکر می‌کنم دوستان ما در امارات نیز به این نتیجه رسیده‌اند که به‌کارگیری راههای دیگر، الزاماً به حل مشکل کمکی نخواهد کرد. بنابراین، زمینه‌ها و فضاهای مورد نظر شما، هم‌اکنون در چارچوب تفاهم و همکاری بین ایران و امارات قابل شکل‌گیری است که در چارچوب روابط دو جانبه می‌توان این مشکل را حل کرد.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** موضوع سوم مربوط به بحران افغانستان است. در ارتباط با این بحران یک تحلیل مشترک در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد که براساس آن جمهوری اسلامی ایران یک دیپلماسی فوق‌العاده پیچیده‌ای را به‌کار گرفت، به نحوی که بسیاری از تحلیل‌گران را چه در کنفرانسهای علمی و چه در محافل سیاسی به تحسین واداشت. براساس این دیپلماسی، ایران از یک طرف با موضوعی برخورد می‌کرد که خود مدتها درگیر آن بود، یعنی حضور طالبان در افغانستان که سالها قبل خطر آن را در سطح جهان مطرح کرده بود، از طرف دیگر، علاقه‌ای هم نداشت که کشور مسلمان افغانستان مورد تعرض قرار گیرد. بنابراین، یک دیپلماسی پیچیده هم اعتراض خود را مطرح کرد و هم جریانی را که تصویر غلطی از اسلام‌ارایه می‌داد، زیر سؤال برد. همچنین ایران در این بحران کمکه‌های حاشیه‌ای و در عین حال مهم خود را ارایه کرد تا به نحوی این مسئله حل شود. با توجه به نقش سازنده ایران در حل بحران افغانستان، حضرتعالی برخوردها و رفتارهای جدید آمریکا در مورد ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به عبارت دیگر با توجه به اینکه در جریان‌ات اخیر روشن شد که ایران، هم به لحاظ تکامل تفکر اسلامی در داخل کشور و هم به لحاظ سیاسی، تجاری و اقتصادی یک نیروی معتدل و ثبات‌بخش در سطح منطقه است،

بنابراین نظام انگیزشی رفتار جدید دولت آمریکا در تهدید ایران بر چه اساسی شکل گرفته و حضرتعالی آن را چگونه تحلیل می‌نمایید؟

**دکتر خرازی:** به نظر اینجانب آنچه که آمریکایی‌ها درباره نقش ایران در افغانستان می‌گویند، صرفاً یک بهانه است. خود آنها آگاهی دارند که نقش ایران در حل و فصل بحران افغانستان چه قدر برجسته و مهم بود. آنها می‌دانند حکومت موقت افغانستان نقش نوزادی را دارد که به دست ایران زاییده شده، بنابراین ایران قصد از بین بردن آن را ندارد. امروز جمهوری اسلامی ایران حاکمان جدید افغانستان را از دوستان خود تلقی می‌کند. نکته‌ای که حایز اهمیت است اینکه ممکن است بین دو کشور همسایه به طور طبیعی مسایلی در جریان باشد. این به معنای تضعیف دولت مرکزی نیست، بلکه نوعی روابط سنتی و تاریخی است که بین استانهای مرزی دو کشور همسایه به طور طبیعی وجود داشته و دوام پیدا کرده است. البته، همواره نیز سعی شده تا این مسایل با هماهنگی دولت مرکزی باشد. در مورد اتهامات مربوط به حضور القاعده در جمهوری اسلامی ایران، منطقی نیست که ما با گروهی که هیچ گونه تجانس و هم‌فکری نداریم و در طول سالهای اخیر با آنها مبارزه کرده ایم، حالا که شکست خورده‌اند وارد همکاری شویم. این حرف معقول نیست، چرا که ما هیچ‌گونه منافع و انگیزه‌ای در ارایه این کمکها نداریم. بنابراین کاملاً محسوس است که طرح این‌گونه اتهامات از سوی آمریکا، بهانه‌ای بیش نیست. اگر آمریکایی‌ها چنین نگرانیهایی دارند و واقعاً اطلاعاتی در مورد مخفی شدن یا حضور عضوی از القاعده یا گروه طالبان در ایران دارند، باید این اطلاعات را در اختیار ما می‌گذاشتند تا ما آنها را پیدا کنیم، چرا که ما نهایت سعی خود را در این زمینه انجام داده ایم. لذا به نظر می‌رسد که آمریکا اهداف فراتری را دنبال می‌کند و آن هدفی است که نه تنها ایران، بلکه کل منطقه، کل جهان اسلام و در واقع کل جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد و آن «یکجانبه‌گرایی» آمریکا و ایده دنیای تک قطبی است که آمریکا به دنبال آن می‌باشد. در واقع ایالات متحده سعی دارد تا با استفاده از فضای به وجود آمده بعد از شکست طالبان، تمامی مشکلات خود را با زور و فشارهای تبلیغاتی و نظامی حل کند و از این طریق

موقعیت برتر خود را به عنوان تنها ابرقدرت جهان تثبیت نماید. اما همان گونه که ملاحظه می‌کنیم، این نوع حرکت آمریکا با عکس‌العمل‌های شدید جامعه جهانی روبه‌رو است. چون در این قضیه تنها جمهوری اسلامی ایران مخاطب نیست، بلکه کشورهای دیگری نیز مخاطب این رویکرد جدید آمریکا هستند. هم‌اکنون مشاهده می‌کنیم که اعمال چنین سیاست‌هایی با حساسیتها و مقاومت‌های زیادی از سوی کشورهای منطقه، کشورهای اروپایی و در نهایت قدرتهای بزرگی همچون چین و روسیه روبه‌رو شده است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** در بحث مربوط به کارآمدی سیاست خارجی کشور، به نظر حضرتعالی چه زمینه‌هایی باید اصلاح شود؟ به عبارت دیگر چه موانع و مشکلاتی در گردش کار سیاست خارجی در داخل کشور وجود دارد؟ این مسئله همواره مطرح است که در کشور ما مراکز تصمیم‌گیری زیادی در حوزه سیاست خارجی وجود دارند. آیا این مسئله در بُعد اجرای سیاست خارجی مشکلی به وجود نمی‌آورد؟ به طور کلی اولویت‌بندیهای جنابعالی برای اصلاح این موانع کدامند و چگونه می‌توان کارآمدی سیاست خارجی را چه به لحاظ فکری و چه در مراکز اجرایی کشور افزایش داد؟

**دکتر خرازی:** دستگاه سیاست خارجی ما همانند سایر دستگاههای کشور، مشکلات خاص خود را دارد. بخشی از این مشکلات مربوط به ساختار و نیروی انسانی است، بدین معنی که از ابتدا دستگاه سیاست خارجی بر مبنای صحیحی سازماندهی نشده تا جوابگوی نیازهای فوری جمهوری اسلامی ایران باشد. به عبارت دیگر نیروی انسانی وزارت امور خارجه الزاماً متناسب با فعالیتهای کاری و تخصصی خود انتخاب نشده‌اند. البته ما تلاش کرده‌ایم تا حدی که امکان‌پذیر باشد این مشکل را حل کنیم و اصل شایسته‌سالاری را در وزارت امور خارجه اعمال نماییم. صرف نظر از مشکلات ساختاری و مسئله نیروی انسانی، دو مشکل عمده دیگر نیز وجود دارند که بر فعالیتهای وزارت امور خارجه تأثیر می‌گذارد: یکی اینکه، طبیعت سیاست خارجی ایران به گونه‌ای است که تصمیم‌گیری درباره آن به طور کامل در اختیار

وزارت خارجه نیست و دستگاههای مختلف دیگر نیز در آن دخالت دارند. بخشی از این دخالتها طبیعی و مشروع است و به دلیل ضرورت وجود تماسهای دو جانبه در حوزه های کاری می باشد. البته بخش دیگری از این دخالتها ناصواب است. مشکل دوم ضعف دیدگاه راهبردی است. بدین معنی که فعالیتهای جاری وزارت امور خارجه باید در چارچوب یک طرح راهبردی هدایت شود. در این زمینه باید وزارت امور خارجه تقویت شود و تقویت آن تابع تقویت نیروی انسانی وزارت امور خارجه است.

### فصلنامه مطالعات خاورمیانه: با توجه به مسئولیتهای مختلف حضرتعالی از اول

انقلاب اسلامی؛ از جمله، در خبرگزاری جمهوری اسلامی، ریاست هیات نمایندگی ایران در سازمان ملل، آیا تلقی جنابعالی از چگونگی تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارای منحنی یا به عبارتی از فراز و نشیبهایی برخوردار بوده است؟ یا اینکه همواره از نوعی ثبات مفهومی روشنی پیروی می کرده است؟

### دکتر خرازی: البته این سؤال بیشتر جنبهٔ تئوریک دارد و اساتید علوم سیاسی

و روابط بین الملل باید به آن پاسخ دهند. اما نکته ای که به ذهن من می رسد این است که منافع ملی یک کشور همیشه ثابت نیست و به تناسب زمان و مکان و تحت تأثیر تحولات بین المللی دچار تغییر می شود. بنابراین، درک تغییر مفاهیم و آرایهٔ تعریف جدید از منافع ملی اجتناب ناپذیر است. به عنوان مثال، تعریف ما از منافع ملی در دوران جنگ با دوران صلح ممکن است متفاوت باشد. به عبارت دیگر، تعریف از منافع ملی در شرایطی که امنیت ملی یک کشور به دلایل مختلف داخلی یا خارجی در خطر باشد با تعریف از منافع ملی در دوران ثبات و آرامش در مرزها، به طور کامل فرق می کند. این امر در مورد کشور ما نیز صادق است. جدا از وجود اصول ثابتی همچون، حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی در حوزهٔ سیاست خارجی - که در مورد همهٔ کشورها صادق است - منافع دیگر در حوزهٔ سیاست خارجی ممکن است در دورانهایی مختلف دچار تغییراتی شوند.

بنابراین نیازمند به تعریف صحیحی از منافع ملی متناسب با شرایط زمانی و مکانی می‌باشیم.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** همان گونه که مستحضرید در دوران پس از انقلاب، دو رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل مشتاقان زیادی پیدا کرده و افراد زیادی به تحصیل در این رشته در مراکز آموزش عالی، از جمله دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاههای دولتی مشغول گردیده اند. در وزارت امور خارجه نیز در چندین دوره عده زیادی در این رشته تربیت شده اند. بنابراین در حال حاضر شمار قابل توجهی از دانش آموختگان و اساتید این دو رشته هم در دانشگاهها و هم در مؤسسات تحقیقاتی دولتی و غیردولتی و سایر سازمانها مشغول فعالیت می‌باشند. به نظر حضرتعالی چگونه می‌توان از این طیف وسیع اساتید و پژوهشگران به نحوی کارآمد در حوزه سیاست خارجی کشور استفاده کرد؟ آیا می‌توان برای این قشر وسیع جایگاهی تعریف کرد؟ از آنجایی که ماهیت این دو رشته به گونه‌ای هست که وقتی کاربردی می‌شوند از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردند، وزارت امور خارجه با چه ساز و کارهایی می‌تواند جایی برای قشر دانشگاهی و علمی این دو رشته باز کند تا هم برای دست اندرکاران مفید باشد، و هم برای پژوهشگران این انگیزه به وجود آید که تحقیقات و افکار آنها در راستای جهت گیری و اهداف کل کشور به کار گرفته می‌شود؟ به عبارت دیگر، چگونه این دو حوزه اجرایی و فکری کشور می‌توانند به یکدیگر کمک کنند؟ اگر بخواهیم مثال بزنیم در کشوری مثل هند، این دو حوزه خیلی با یکدیگر ارتباط دارند. یا فرض کنید در کشورهایی همچون مالزی، کره جنوبی و برزیل بخش علمی و دانشگاهی با بخش علمی و کاربردی سیاست خارجی ارتباطات گسترده‌ای دارند. دیدگاه حضرتعالی در این مورد چیست؟ آیا اصولاً می‌توان حوزه علمی و دانشگاهی را در فعالیتهای عملی و واقعیت‌های سیاسی کشور دخالت داد؟

**دکتر خرازی:** قدر مسلم باید نوعی تعامل جدی میان دستگاه سیاست خارجی و اساتید و محققین علوم سیاسی و روابط بین الملل وجود داشته باشد. با توجه به اینکه دستگاه

سیاست خارجی درگیر مسایل عملی است، لذا نیاز به دیدگاه‌های نظری را باید اساتید و محققین دانشگاهی تأمین کنند. از سوی دیگر، اگر محققین و قشر دانشگاهی تنها در زمینه‌های تئوریک کار کنند و از مسایل عملی مربوط به حوزه سیاست خارجی غافل شوند، تلاش آنها کامل نیست. بنابراین باید نوعی تعامل متناسب بین دستگاه سیاست خارجی و جامعه دانشگاهی، اساتید و محققین وجود داشته باشد. دستیابی به این هدف از طریق ساز و کار فعال شدن مؤسسات تحقیقاتی و فکری امکان‌پذیر است. باید فکر تشکیل مؤسسات فکری و گسترش دامنه فعالیت آنها را ترویج کرد. البته وزارت امور خارجه، مؤسسه «دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی» را در اختیار دارد و در چارچوب فعالیتهای این مؤسسه، سمینارها و میزگردهای مختلفی در زمینه مسایل مربوط به سیاست خارجی برگزار می‌شود. هدف اصلی این مؤسسه فراهم کردن زمینه‌های ارتباط بین جامعه علمی و تحقیقاتی با بدنه اجرایی سیاست خارجی از طریق برقراری تماسهای نزدیک و مستقیم میان این دو قشر، انتشار افکار محققین در قالب کتب و مقالات در حوزه سیاست خارجی است. منتهی این فعالیتهای کافی نیست. مؤسسات مشابهی همچون مؤسسه شما، یعنی «مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه» نیز وجود دارند که در زمینه حوزه خاصی همچون خاورمیانه کار می‌کند. چنین مؤسساتی را در زمینه سایر حوزه‌ها نیز می‌توان تشکیل داد. البته مراکز تحقیقاتی دیگری نیز در ایران وجود دارد که متشکل از افراد دانشگاهی و کسانی است که قبلاً در دستگاه سیاست خارجی اشتغال داشته‌اند. چنین مراکزی منبع تغذیه اطلاعاتی و فکری خوبی برای دستگاه سیاست خارجی به حساب می‌آیند. لذا اگر ما دیدگاه نیازمندی متقابل بین این دو حوزه را ترویج کنیم، ظرفیتهای فکری زیادی برای اجرای بهتر سیاست خارجی فراهم کرده‌ایم. ترجیح به تشکیل چنین مؤسساتی جزء برنامه‌های وزارت امور خارجه است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** مورد آخری که علاقه‌مندیم از شما پرسیم، این است که دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی اخیراً کنفرانسی در مورد شناخت زمینه‌های همکاری ایران و کشورهای عربی برگزار کرد. در چارچوب مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات

استراتژیک خاورمیانه نیز، اخیراً «انجمن دوستی ایران و عرب» اعلام موجودیت کرد و در مجلس افتتاحیه آن، که با حضور بعضی از سفرای کشورهای عربی برگزار گردید، نزدیک به ۵۰۰ نفر از شرکت کنندگان ایرانی و عربی دور هم جمع شدند و از این لحاظ باب جدیدی آغاز گردید. این انجمن دارای کمیته های اقتصادی، فرهنگی، ارتباطات و علمی می باشد و فعالیتهای جدیدی را در این حوزه ها آغاز کرده است. اگر حضرتعالی در این ارتباط نکته و یا توصیه ای دارید که بتواند به این انجمن دوستی کمک کند تا به نحوی موجب همکاریهای نزدیکتر و عمیقتر میان ایران و کشورهای عربی گردد و برای منافع دو طرف مفید باشد، ممنون می شویم مطرح نمایید.

**دکتر خرازی:** ابتکار تأسیس چنین انجمنی از طرف مؤسسه شما، بسیار ارزشمند است. مسلماً تشکیل این انجمن به گسترش روابط ایران با کشورهای عربی کمک می کند و منجر به ارتباط نزدیکتر مردم عرب زبان با فارس زبانان خواهد شد. اصولاً برگزاری چنین کنفرانسهایی با چنین ساز و کارهایی بسیار ضروری است و در شرایط سیاسی فعلی می تواند منجر به تقویت پیوندهای ایران و اعراب شود و در جهت منافع کل منطقه قرار گیرد. البته پیوند میان ایران و اعراب امر جدیدی نیست و از صدر اسلام وجود داشته است. خدمات متقابلی که ایرانیان و اعراب به یکدیگر کرده اند، بسیار گسترده است. طبیعتاً در شرایط فعلی نیز چنین خدماتی باید صورت گیرد. چرا که دو طرف سرنوشت مشترکی دارند. به تعبیری در قایقی نشسته اند که با خطرات مشترکی روبه رو است. لذا هر قدر گفتگوی بیشتری صورت گیرد و ذهنهای دو طرف به یکدیگر نزدیکتر گردد، از سوء تفاهات آنها کاسته می شود و این به نفع دو طرف است.

**فصلنامه مطالعات خاورمیانه:** از وقتی که حضرتعالی در اختیار ما گذاشتید، بسیار

سپاسگذاریم. □